

The Usage of the Term “Ahl al-Bayt” in the Pre-Islamic Period with Emphasis on the Institutionalization of the Concept of the “Honorable Family”

Roohollah Samadi¹  Ne'matollah Safari Forooshani²  and Hosein Abdolmohammadi³ 

1. PhD Candidate, Complex of Islamic History, Sirah and Civilization, field of Ahl al-Bayt History, Afghanistan (Corresponding Author). E-mail: rohalah_samadi@miu.ac.ir
2. History Department of Ahl al-Bayt (AS), Higher Education Complex of Islamic History, Tradition and Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
E-mail: nematollah_safari@miu.ac.ir
3. History Department of Ahl al-Bayt (AS), Higher Education Complex of History, Sirah and Islamic Civilization of Al-Mustafa (PBUH) Al-Alamiya University, Qom, Iran
E-mail: hosein_abdolmohammadi@miu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 2025-04-28

Received in revised form
2025-05-28

Accepted 2025-05-30

Available online

1 July 2025

Keywords:

Ahl al-Bayt;

Pre-Islamic Arabia;

Tribal System;

Concept of “Honorable

Family”;

Quraysh

ABSTRACT

In the culture of pre-Islamic Arabia, words and expressions related to “bayt” (house/family) held meanings beyond mere spatial references and, in connection with tribal structures and kinship relations, carried social and identity connotations. Although the term Ahl al-Bayt was not used in a conventional or fixed sense as in the Islamic period, even its early and sometimes simple usages warrant historical research. The central question of this study is: how was the term or concept of Ahl al-Bayt employed in the pre-Islamic era, and did it play a symbolic role in consolidating the social status of certain families? This study employs a descriptive–analytical method, drawing on literary sources such as pre-Islamic poetry, historical works, genealogical texts, and relevant lexicons. The findings indicate that while pre-Islamic Arabs did not consistently use the literal expression Ahl al-Bayt, their language and mentality nurtured the notion of special regard for certain prominent families. Initially, this concept had primarily bloodline and tribal connotations, but over time it gradually evolved into an element within the social and sometimes cultural hierarchy—a development that later gained a new religious and Islamic meaning. Therefore, examining the conceptual evolution of Ahl al-Bayt from the pre-Islamic period to the advent of Islam plays a crucial role in understanding the status of the Prophet’s family.

Cite this article: Samadi, Roohollah; Safari Forooshani, Nematollah; Abdolmohammadi, Hosein (2025). The Usage of the Term “Ahl al-Bayt” in the Pre-Islamic Period with Emphasis on the Institutionalization of the Concept of the “Honorable Family”, *Discourse of History*. 50 (2), 114-137.
<http://doi.org/10.22034/SKH.2025.21118.1624>



کاربرد عبارت «اهل بیت» در جاهلیت با تاکید بر بحث از نهادینه سازی انگاره

«خاندان محترم»

روح الله صمدی^۱ ✉، نعمت الله صفری فروشانی^۲ ID، حسین عبدالمحمدی^۳ ID

۱. نویسنده مسؤول، دانش پژوه دکتری تاریخ اهل بیت (ع) گروه تاریخ اهل بیت (ع) مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، افغانستان. رایانامه: rohalah_samadi@miu.ac.ir

۲. گروه تاریخ اهل بیت، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران. رایانامه: nematalah_safarifroshani@miu.ac.ir

۳. گروه تاریخ اهل بیت (ع)، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران. رایانامه: hosein_abdolmohamadi@miu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

در فرهنگ عرب جاهلی، واژگان و عبارات مرتبط با «بیت» نقشی فراتر از معنای مکانی ایفا می کردند و در پیوند با ساختار قبیله ای و روابط خویشاوندی، دلالت های هویتی و اجتماعی می یافتند. عبارت «اهل بیت» گرچه در جاهلیت به شکل مصطلح و تثبیت شده ای مانند دوره اسلامی به کار نمی رفت، اما همان کاربردهای اولیه و بعضا بسط از آن عبارت نیز نیاز به پژوهش تاریخی دارد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که: عبارت یا مفهوم «اهل بیت» در دوره جاهلی چگونه به کار می رفته و آیا این مفهوم نقش نمادینی در تثبیت منزلت اجتماعی برخی خاندان ها داشته است؟ روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و با بهره گیری از منابع ادبی مانند اشعار جاهلی، آثار تاریخی، متون انسب و واژه نامه های مرتبط انجام شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که عرب جاهلی گرچه همیشه از تعبیر لفظی «اهل بیت» استفاده نمی کرد، اما در زبان و ذهنیت خود، انگاره ای در جهت اهتمام به برخی از خاندان های برتر را می پروراند. این مفهوم در آغاز بیشتر جنبه خونی و قبیله ای داشت، اما در سیر تحولی تدریجی، به عنصری در ساختار منزلت اجتماعی و گاه فرهنگی بدل شد؛ عنصری که بعدها در فضای وحیانی اسلام، معنایی جدید و دینی پیدا کرد. از این رو، بررسی تحولات مفهومی «اهل بیت» از جاهلیت تا صدر اسلام، در فهم جایگاه اهل بیت پیامبر (ص) نقش مهمی ایفا می کند.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

کلیدواژه ها:

اهل بیت،

جاهلیت،

نظام قبیله ای،

انگاره «خاندان محترم»،

قریش

استناد: صمدی، روح الله؛ صفری فروشانی، نعمت الله؛ و عبدالمحمدی، حسین (۱۴۰۴). کاربرد عبارت «اهل بیت» در جاهلیت با تاکید بر بحث از

نهادینه سازی انگاره «خاندان محترم». سخن تاریخ، ۵۰ (۲)، ۱۳۷-۱۱۴.

<http://doi.org/10.22034/SKH.2025.21118.1624>

ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. © نویسندگان.



۱- مقدمه

درمتون اسلامی، به‌ویژه درقرآن و روایات، عبارت «اهل‌بیت» جایگاهی ویژه دارد و به‌یکی از مهم‌ترین مفاهیم هویتی و اعتقادی بدل شده‌است. بااین‌حال، فهم دقیق معنای این عبارت در دوره اسلامی، بدون بررسی زمینه‌های زبانی، فرهنگی و اجتماعی پیش از اسلام، ناتمام خواهد ماند. عبارت «اهل‌بیت» از ترکیب «اهل» و «بیت» ساخته شده و به‌ظاهر معنایی ساده چون «خانواده ساکن در یک خانه» را تداعی می‌کند، اما درواقع، در بافت عرب جاهلی، دلالت‌هایی عمیق‌تر و هویتی‌تر دارد.

درفرہنگ جاهلی، مفهوم خاندان و تبار، به‌ویژه در میان قبیله‌ها، نقشی بسیار حیاتی ایفا می‌کرد. افراد نه‌تنها براساس جایگاه اجتماعی خود بلکه براساس تبار و خاندانی که بدان تعلق داشتند، شناسایی می‌شدند. درچنین بستری، عبارت «اهل‌بیت» و مفاهیم و معانی مرتبط با آن که گاهی عرب را از به‌کاربردن این لفظ بی‌نیاز می‌ساخت، برای اشاره به‌اهمیت یک خاندان، جایگاه اجتماعی و افتخار به‌تبار استفاده می‌شد. این مقاله درپی آن است که نشان دهد چگونه مفهوم خاندان دراین فرهنگ قبیله‌ای و تبارمحور، با استفاده از عبارت «اهل‌بیت» و حتی بدون ذکر آن، می‌توانست درروابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جاهلی نقشی اساسی ایفا کند و نقش قبائل مهم عرب چون «قریش» دراین زمینه را واکاود.

هدف اصلی این تحقیق، بررسی و تحلیل کاربرد مفهوم «اهل‌بیت» در دوران جاهلیت است. بااین‌حال، آن‌چه دراین مقاله مدنظر است، تنها بررسی لفظ «اهل‌بیت» نیست، بلکه درک و تبیین مفهوم «خاندان محترم» به‌طور گسترده‌تر و دربستر فرهنگی اجتماعی آن دوران است. به‌عبارتی دیگر این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع لغوی، اشعار عربی پیش از اسلام و متون تاریخی، سعی دارد تاجایگاه این عبارت و معانی و مفاهیم مرتبط با آن را در دوره جاهلیت بررسی کند زیرا دراین مسیر ممکن است تفاوت‌های آن با معنای اسلامی شده‌اش تا حدودی روشن‌تر گردد. همچنین مقاله به‌بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه در فرهنگ جاهلی، مفهوم «اهل‌بیت» و «خاندان» علاوه بر جنبه‌های خانوادگی، بُعد اجتماعی و ارزشی نیز پیدا کرده‌است. روشن است که شناخت مفهوم «اهل‌بیت» در ساحت قرآنی آن و شناخت روایات معصومان (ع) پیرامون این عبارت منوط به واکاوی بسترهای تاریخی آن به‌خصوص تحولات مربوط به دوره جاهلیت باشد و فهم ادبیات قرآنی دراین زمینه فارغ از چنین مباحث مقدماتی به‌نظر فہمی ناقص می‌رسد.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این پژوهش، تحلیل نقش خاندان و تبار در هویت اجتماعی و

فرهنگی دوران جاهلیت است. در این دوران، افراد نه تنها بر اساس شجاعت یا ویژگی های شخصی خود بلکه به ویژه به واسطه خاندان خود شناخته می شدند و همین امر موجب می شد که مفهوم «اهل بیت» یا مشابه آن، حتی اگر به عبارت «اهل بیت» اشاره نشود، همچنان اهمیت زیادی پیدا کند. پیوندهای خانوادگی و اهمیت آن ها در تعیین جایگاه اجتماعی افراد، عاملی بود که این مفهوم را در فرهنگ جاهلی برجسته می ساخت.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع مقاله حاضر به طور مشخص تحقیق جامع و کاملی به انجام نرسیده و عمده مطالبی که تاکنون در اختیار قرار دارد برگرفته از آثار مشابهی است که بخش های ناچیزی از آن با موضوع مقاله حاضر همپوشانی دارد. مقاله خانم سلیمه سایی با عنوان «تطور تاریخی مفهوم اهل بیت از قرن اول تا هفتم هجری قمری» در شماره ۱۶ از «پژوهش نامه امامیه» که شاید انتظار می رفت بخشی را به این موضوع اختصاص دهد لکن آغاز سخن خود را به دوره عصر نبوی (ص) پیوند زده و تطور آن در دوره جاهلیت را مورد تحلیل قرار نداده است. ویلفرد مادلونگ اسلام شناس آلمانی در کتاب «جانشینی محمد» به طور خلاصه اشاراتی به بحث مورد نظر داشته و ضمن اذعان به متمایز بودن «خاندان های پیامبران پیش از حضرت محمد (ص)» از آنان با عبارت «اهل بیت» استفاده می کند. مادلونگ در ادامه صریحاً بیان کرده که «اهل بیت» رسول خدا (ص) در امتداد «اهل بیت» دیگر پیامبران پیشین مانند خاندان لوط (ع) که خود راپاک نگاه داشته بودند، تطهیر شده اند. علی رغم برخی از مباحث مشابه با عنوان این مقاله، مطالب این کتاب در این موضوع بسیار ناقص و اجمالی به نظر می رسد به خصوص که بحث از دیدگاه جاهلیت درباره «اهل بیت» لغوی و اصطلاحی و تطور آن در چنین جامعه ای را مورد کاوش قرار نداده است و از آن مهم تر آن که اساساً نگاه مادلونگ به «اهل بیت» نیاز به دقت بیشتری دارد چه این که او در بخشی از این کتاب مباحث مربوط به این مفهوم را خلط کرده و در مقاطع مختلف سه گروه «خمس طیبه»، «بنی هاشم» و «زوجات النبی» را تحت این عنوان معرفی نموده حال آن که هر کدام در بخش های مجزا قابل بحث و گفتگو است. سومین اثر مهم در این زمینه مقاله «اهل بیت (مردم خانه)» در دائرة المعارف قرآن لیدن اثر موشه شارون نویسنده و خاورپژوه یهودی است که بیش از دیگران درباره این فضا سخن به میان آورده است. نویسنده اگرچه تا حدود زیادی خواسته تا رویکرد تاریخی این مفهوم را بررسد ولیکن اولاً توجه بیش از اندازه او به انگاره و مفهوم خاندان محترم او را از نگاه دقیق به عبارات حاوی لفظ «اهل بیت» باز داشته حال آن که نکات اصلی کاربرد عبارت «اهل بیت»

در جاهلیت درهمین بخش نهفته است گرچه طبیعتاً بخشی را نیز باید به همان انگاره‌ها اختصاص داد. ثانیاً این مقاله اساساً دارای اشکالات ساختاری و محتوایی جدی است که هم توسط محققان معاصر به نقد کشیده شده و هم به فراخور بحث درهمین مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به طور مثال این نویسنده تحلیل‌ها و کاربرد عبارت «اهل بیت» در آثار نویسندگان و مورخان اسلامی را چونان وضع آن عبارت در دوره جاهلیت و به مثابه یک داده تاریخی از آن دوران تلقی کرده درحالی که این تحلیل‌ها در نهایت محصول قلم آن نویسنده می‌باشد و بیش از آن کارکردی برای آن متصور نیست. در کنار این آثار، چند مقاله دائرةالمعارف دیگر نظیر «اهل بیت» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی از علی رفیعی، «اهل البیت» از ایگناتس گلدزیهر اسلام‌شناس مجارستانی و همکاران، «اهل بیت» از اندرسون هاوارد شیعه‌پژوه و از اساتید سابق دانشگاه ادینبورو اسکاتلند و «اهل بیت» در دانشنامه حج و حرمین شریفین از مهدی ملک محمدی نیز مطالبی در این زمینه گردآورده است که مذاقه در آن‌ها حاکی از کمترین اشاره به شواهد مربوطه در دوره جاهلیت می‌باشد بلکه عمده محتوای تهیه شده در این مقالات به دوره پس از اسلام مرتبط است. برخی از این مقالات به خصوص مورد اخیر، از همان ابتدا به دنبال اثبات مترادف بودن «اهل بیت» با خمسه طیبیه بوده‌اند و به همین دلیل لزومی بر بررسی تاریخی این مفهوم در جاهلیت احساس نکردند. بنابراین به نظر می‌رسد تاکنون از این منظر به این موضوع مهم از جانب محققان و تحلیل‌گران تاریخی نگاهی تحلیلی و گسترده انداخته نشده که این مقاله درصدد پوشش دهی بدین خلأ برآمده است.

۳- تعریف «اهل بیت» لغوی

این عبارت (به عربی: أَهْلُ بَيْتٍ یا أَهْلُ الْبَيْت) ترکیبی اضافی و مرکب از دو کلمه «اهل» و «بیت» یا «البیت» می‌باشد. یکی از معانی مهم «اهل» در عرب، زوجه و نزدیکان است و ترکیب آن با «البیت» به طور ساده به معنی اهل خانه یا ساکنان یک خانه می‌باشد که طبعاً شامل مصداقی چون همسر، فرزندان و دیگر بستگان می‌گردد (فیومی المقری، ۱۴۱۸: ۲۰). می‌توان بدین مطلب توضیحی اجمالی افزود که برطبق آن جمال الدین بن منظور (م ۷۱۷ق) ادیب و مولف کتاب «لسان العرب» با بهره گرفتن از سخن ابوالحسن بن سیده (م ۴۵۸ق) یکی از خطباء و لغت‌شناسان اندلسی واژه «اهل» را به معنای امت، عشیره و نزدیک‌ترین افراد تعریف کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱، ۲۸). این معنا در عمده آثار ادبی و لغوی عرب تا حدودی به طور یکسان و با اختلاف بسیار اندکی تبیین و تشریح شده است. این تبادر معنای «خانواده و عشیره» به حدی است که برخی از لغت‌شناسان تنها همین یک معنی را برای آن ذکر کرده‌اند. به طور مثال مجد الدین

فیروزآبادی (م ۸۱۷ق) از عالمان لغوی قرن نهم نزدیک به ۱۰ معنا برای واژه «أهل» برشمرده درحالی که نیمی از آن موارد به مفاهیمی چون «خاندان»، «نزدیکان»، «همسر» و «اولاد» اشاره دارد. بنابراین به نظر می رسد این کلمه در غالب مواقع قرابت و نزدیکی را متبادر می سازد و بدین ترتیب در محاورات عرب، عبارت «اهل بیت» به لحاظ لغوی معمولاً معادل «ساکنان خانه» در نظر گرفته می شود (رک: فیروزآبادی، ۱۴۱۶: ۲، ۸۴). لازم به تذکر است که برخی از اندیشمندان مسلمان واژگان دیگری مانند «آل» را مشتق شده و تحول یافته از لفظ «أهل» معرفی کرده اند که البته در استعمال این دو لفظ باید وجوه تمایزی نیز قابل ارزیابی دانست. به طور مثال گفته اند که امکان ندارد که لفظ «آل» با اسامی جغرافیایی ترکیب شود برخلاف لفظ «أهل» که معمولاً با آن اسامی قابل جمع و ترکیب است (رک: آذرنوش، ۱۳۹۸: ۱، ۸۷۱) به هر روی، فارغ از هر نوع مناقشه در این بحث، دو واژه «أهل» و «آل» تا حدودی قریب المعنی قلمداد می گردند.

ابن منظور در ماده «بیت» نکته ای مهم افزوده است. او با نام بردن از «آل حصن الفزاریین» یا «آل جدین الشیبانیین» و «آل عبدالمدان الحارثیین» که از خاندان های شریف و مهم عرب به شمار می رفتند، تصریح نموده که ماده «بیت» با ضمیمه شدن به اسامی این قبائل و خاندان ها می تواند شرافت قبیلگی و برتری خاندانی آنان را نیز متبادر سازد. بنابراین لفظ «بیت» و مشتقات آن مانند «بیوت» و حتی جمع الجمع آن یعنی «بیوتات» در برخی از موارد می تواند معنایی خاص تر از معنای مشهورش (خانه) داشته باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲، ۱۵).

نکته مهم دیگر در این بخش تمایزی است که می توان از جهاتی میان دو عبارت «اهل بیت» و «اهل البیت» قائل شد. این دو عبارت دست کم در ادبیات قرآنی حامل دو معنای نسبتاً متفاوت می باشند. در واقع در آیات قرآن کریم سه بار از این عبارت استفاده شده که فقط در مورد اول یعنی آیه ۱۲ از سوره قصص «هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ» واژه «بیت» به صورت نکره بیان شده ولی در دو مورد دیگر یعنی آیه ۷۳ از سوره هود «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» و آیه ۳۳ از سوره احزاب «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» مشهور به آیه تطهیر این واژه همراه با الف و لام به صورت معرفه ذکر شده است. به نظر می رسد آشکارترین تمایزی که در این دو نوع از کاربردها (معرفه و نکره) می توان در نظر گرفت آن باشد که در صورت کاربرد نکره، عمومیت نیز لحاظ می گردد به طوری که تمامی خاندان ها یا خانواده ها در ذیل آن مشمول می شوند حال آن که در کاربرد معرفه، الف و لام را باید از نوع عهد ذکری در سوره هود (همراه با اشاره به خانواده حضرت ابراهیم (ع) در آیات قبل) و عهد ذهنی در سوره احزاب (با توجه به وقایع مربوط به اصحاب الکساء و شأن نزول این آیه در روایات)

دانست که در این صورت شمول مصداقی این عبارت در این دو آیه تقلیل یافته و طبیعتاً نمی‌توان هر خانواده‌ای را ذیل این دو کاربرد معرفه شامل کرد (رک: کیخا، ۱۳۸۴: ۱۵۳ و درباره برداشت خاص از آیه تطهیر رک: مرتضی عاملی، ۱۴۲۳).

تقریباً اکثریت احادیثی که دربرگیرنده صورت معرفه این عبارت می‌باشند نیز چون کاربرد قرآنی آن دلالت عام و فراگیر ندارند بلکه تنها شامل یک یا چند خانواده مشخص می‌شوند. از باب مثال می‌توان به احادیثی اشاره کرد که بر طبق آن دایره شمول «اهل بیت» با استفاده از عباراتی مانند «منا اهل البیت» یا «لیس منا اهل البیت» تحدید یا توسعه یافته‌است (برای اطلاع بیشتر رک: احمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۴۴). با این حساب تمایز میان دو کاربرد متفاوت از این عبارت در دیگر متون عربی حتی پیش از اسلام را نیز می‌توان طبق این ملاک، محتمل دانست که تشریح آن در پی خواهد آمد.

۴- کاربرد مفهوم «اهل بیت» در جاهلیت

کاربرد مفهوم «اهل بیت» یا مشتقات آن در دوره جاهلیت را می‌توان در بخش‌های مختلفی قابل ردگیری دانست به دلیل آن که این عبارت از همان آغاز همراه با ساحت‌های مختلف لغوی و اصطلاحی وضع و نشر شد و از این جهت است که هر جنبه از آن را می‌توان در بخشی مستقل واکاوی نمود.

۴-۱- استفاده لغوی از عبارت «اهل بیت»

به نظر می‌رسد درصد قابل توجهی از کاربردهای عبارات و واژگانی مانند «بیت» یا «اهل بیت» در اعراب پیش از اسلام بدون توجه به مفهوم خاصی بوده‌است. درحقیقت عمده این کاربردها اگر نگوییم کلیه آن، فقط با تکیه بر لفظ آن و تنها به معنی خانه یا خانواده به صورت کلی آمده‌است و به هیچ عنوان از مولفه‌های مشخص برای تعیین یک خانواده از درون اجتماع و خارج کردن دیگر خانواده‌ها برخوردار نیست. بدین ترتیب، «اهل بیت» چنان که در تعریف آن آمد، در عمده موارد می‌توانست به همه خاندان‌های ساکن در محدوده زندگی اعراب اطلاق شود.

نوعی از کاربردهای لفظ «اهل بیت» بدون توجه به یک مفهوم خاص را در جریان «اصحاب الفیل» و زمینه‌های شکل‌گیری آن می‌توان مشاهده کرد. بر این اساس و بنا به نقل برخی از تواریخ کهن، پس از آن که پادشاه یمن در قرن ششم میلادی یعنی «أبرهه الأشرم» برای جلوگیری از سفر اعراب یمن به مکه و زیارت کعبه، در شهر صنعاء کلیسایی را بنا کرد و آن را با زیورآلات

مخصوصی تزئین نمود، ظاهراً یک روز یکی از اهالی یمن بدین کلیسا که «قلیس» خوانده می‌شد، بی حرمتی نمود. نکته آن جا است که پس از این بی حرمتی، زمانی که ابرهه از هویت عاملین این جریان سوال می‌کرد، بدو گفتند: نَفَرٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ الْعَرَبِ. مردی از خاندان عرب بوده است (ابن حبیب بغدادی، ۱۴۰۵: ۷۰). اگر چنانچه جزئیات این جریان مانند کلیت آن حقیقت داشته باشد، مشخص می‌شود که کار بست لغوی عبارت «اهل بیت» با توجه به این گزارش، یک کار بست عام بوده و بسته به قالب مورد نظر از این عبارت تعیین می‌شد که گستردگی آن کلیه خاندان‌ها یا خانواده‌های عرب در آن زمان‌ها را در بر می‌گرفت و محصور در یک خانواده از خانواده‌ها نمی‌شد.

یک مورد مهم دیگر مربوط به دوره پادشاهی «حسان بن تبان اسعد بن کرب الحمیری (حک. ۴۵۰-۴۴۰م)» بر ساحه یمن می‌باشد. به نظر می‌رسد که زمانی این دومین پادشاه مقتدر یمن با مردم آن منطقه همراه شد تا به تأسی از پادشاهان پیشینی یکبار به سرزمین‌های اعراب و فارس یورش ببرد. چنین گفته شده که چون به سرزمین عراق رسیدند حمیریان و قبائل یمن نخواستند با وی بروند و آهنگ بازگشت به دیار خویش کردند. آن‌ها با «عمرو» برادر حسان بن تبان که در آن سپاه حضور داشت، مذاکرات و رایزنی‌هایی کرده و گفتند: أَقْتُلْ أَخَاكَ حَسَانَ بْنَ تَبَانَ بْنِ كَرْبٍ وَ تَرْجِعْ بَنَاءَ إِلَى بِلَادِنَا. برادرت را بکش و ما به جای او تو را پادشاه خویش می‌کنیم که ما را به دیار خویش بازگردانی. بر مبنای این نقل، عمرو بن تبان سخن آنان را بی مجامله پذیرفت. در این میان، افراد منتسب به قبیله «ذی رعیان الحمیری (از قبائل بزرگ و دارای جایگاه ویژه در حمیر)» او را از این کار منع کردند و چنین گفتند: إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتٍ مَمْلُوكَتِنَا لَا تَقْتُلُ أَخَاكَ وَلَا تُشَتَّتَ أَمْرَ أَهْلِ بَيْتِكَ. شما خاندان شاهی مملکت ما هستید، برادرت را نکش و کار خاندان خویش را آشفته مکن (طبری، ۱۳۸۷: ۲، ۱۱۵).

این حکایت، مورد دیگری است که لفظ «اهل بیت» بدون اراده مفهومی خاص از آن در محاورات اعراب پیش از اسلام به کار رفته است. چنانچه مشاهده می‌شود، در جمله پایانی این نقل، دو بار از عبارت «اهل بیت» استفاده شده که به نظر می‌رسد هر کدام کاربردهای متفاوتی داشته باشد. در بخش حاضر شاهد مثال البته در «اهل بیت» دومی است که در این گزارش نقل شده است. به دلیل آن که می‌توان در «اهل بیت» دوم بیش از مورد اول، نگاه لغوی بدین عبارت را مشاهده کرد. به تعبیر دیگر، مقصود اصلی مردم قبیله «ذی رعیان حمیری» در مورد دوم، احتمالاً عبارت «اهل بیت» با کاربرد لغوی آن می‌باشد که می‌تواند بر هر خانواده‌ای فارغ از جایگاه اجتماعی و سیاسی آن اطلاق شود به‌ویژه که به ضمیر «ک» نیز اضافه شده که بر عمومیت معنایی آن بیش از تاکید می‌نماید.

نقل دیگری که با گزارش قبل نسبتاً مشابهت دارد، جریان منافره شخصی به نام «عامر بن

أحیم السعدی» را گزارش می‌دهد که درنزد یکی از پادشاهان لخمیان یعنی «منذر بن نعمان سوم (حک. ۵۰۵-۵۵۴م)» رخ داده‌است. سنت منافره به تفاخرطلبی جاهلی همراه با دشمنی میان دو نفر گفته می‌شود که در میان قبائل عرب پیش از اسلام به وفور مرسوم بود (در این زمینه رک: آیین‌وند و باصری، ۱۳۹۲: ۱۰). درگزارش مذکور چنین آمده‌است که منذر خطاب به عامر از میزان شرافت و بزرگی قبیله او درنزد عرب سوال پرسید. عامر نیز در پاسخ، قبیله خود را درکنار دیگر قبائل بزرگ عرب نظیر معدّ، نزار، مضر، خندف، تمیم و ... قرار می‌دهد. منذر بی‌درنگ سوال می‌کند: هذه عشیرتک کما تزعم، فکیف أنت فی اهل بیتک و فی نفسک (علی، ۱۹۷۰: ۴، ۵۹۲-۵۹۱)؟ بگذریم از آن که عامر چه پاسخی داده اما مطلب قابل ملاحظه آن است که در سوال منذر باز هم از عبارت «اهل بیت» مضاف به ضمیر «ک» استفاده شده که مانند مثال پیشین باید گفت لفظ آن، مقصود اصلی کلام واقع شده و بالتبع از نظر معنایی قابلیت اطلاق بر هر نوع خانواده و دودمانی از اعراب قبل از اسلام را دارا است. به هر حال از این دست شواهد و قرائن در منابع اسلامی باز هم یافت می‌شود لکن استقصاء کلیه آن‌ها به تفصیل بی‌موجب در این بحث می‌انجامد.

به نظر می‌رسد با گذشت زمان و چند صباحی پس از بازسازی خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم(ع) به مرور برخی از کاربردهای عباراتی مانند واژه «بیت» کمی خاص‌تر شدند که در غالب موارد، مراد اصلی آن خانه کعبه بود (صفری فروشانی، ۱۳۸۶: ۲۱). درحقیقت هر چه به تاریخ آغاز اسلام نزدیک‌تر می‌شویم، به موازات کاربرد رایج لغوی «اهل بیت»، استعمال لفظ «بیت» در معنای خاص آن یعنی خانه کعبه نیز بیش از پیش به چشم می‌خورد. چه این که از دوران‌های پسینی و با تکاپوهای قبائل مهم آن دوره مانند قریش در تغییر نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مکه، کعبه به مرور درنزد اعراب از حرمت بالاتری برخوردار شد (مونس، ۱۴۰۸: ۹۷) و ظاهراً از همین رو است که اندک اندک اهالی کعبه را نیز با الفاظی چون «اهل بیت» به معنی اهل خانه کعبه مخاطب قرار می‌دادند. به هر ترتیب حتی با وجود تحولات لفظی این عبارت، باز هم کماکان از حیطة لغوی خارج نگردیده‌است.

نویسنده تاریخ مفصل عرب نیز در بخشی از آن نگاشته چندی جلدی‌اش به بحث از کاربرد «بیت» برای کعبه نقبی زده و چنین عنوان می‌کند: از آن جهت که گاه یک فضا به محلی برای قرار گرفتن و سکنی گزیدن بت یا بت‌ها در آن تبدیل می‌شد، از کلمه «بیت» برای اطلاق به آن معابد استفاده می‌شد. مخصوصاً که گاهی همراه با لفظ «بیت» و پس از آن به‌طور ویژه نامی از یک بت بیان می‌شد که در این صورت این اصطلاح ترکیبی دلالت بر تخصیص می‌کرد (علی،

۱۹۷۰: ۶، ۴۰۰). شاید به همین دلیل باشد که در فرهنگ اسلامی و قرآنی و متناسب با نگاه اعراب بدین مساله، مضاف بر کلمه «بیت»، الفاظی مانند «بیت الله»، «بیت الحرام»، «بیت العتیق» یا «بیت المعمور» نیز بدان افزوده شده است (رک: آزادی نژاد، ۱۳۹۲: ۴، مدخل «بیت العتیق» و نیز معرفت، ۱۳۹۳: ۵، مدخل «بیت المعمور»).

آشکارترین نمونه این بحث، تکیه کلام معروف جدّ پیامبر (ص) و بنیانگذار حکومت قریش بر مکه یعنی قصی بن کلاب بود که هر گاه موسم حج فرا می رسید، در خطابه ای غرّاء بستانان قریشی خود را خطاب قرار داده و می گفت: یا معشر قریش اِنکم جیران الله و اهل بیته و اِنّه یأتیکم فی هذا الموسم زوّار الله یعظمون حرمة بیته فهم ضیف الله (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱، ۶۳). ای قریشیان همانا شما همسایگان خداوند و اهل خانه او هستید. به درستی که زائران خداوند به نزد شما آمدند تا حرمت خانه کعبه را به جا آورند بنابراین آنان میهمانان خداوند هستند. همچنین به تاسی از قصی، ظاهرا هاشم بن عبدمناف نیز در زمان ریاست بر مکه از این تکیه کلام بارها استفاده کرده است (رک: یعقوبی، بی تا: ۱، ۲۴۲).

با درنظر داشتن مطلب فوق، چندان بعید به نظر نمی رسد که دیدگاه رودی پارت^۱ دانشمند تاریخ و محقق-مؤلف آلمانی و خلف او موشه شارون^۲ اسلام پژوه یهودی متأثر از گزارش هایی شکل گرفته باشد که مانند مثال قبل در آن امکانا «اهل بیت» معادل با قریش تلقی شده است. شارون در یکی از مقالاتش از قول رودی پارت چنین می گوید: «پارت کسی بود که میان عبارت «اهل بیت» و «اهل البیت» تفاوت قائل شد و در پی آن چنین نتیجه گرفت که عبارت دوم را باید عینا به معنی «مردم خانه»^۳ درنظر گرفته و به کسانی اطلاق نمود که کعبه را مورد تقدیس قرار می دادند. به هر حال آن چه در قرآن از عبارت «اهل بیت» یا «اهل البیت» آمده معنی اصلی آن، «تقدیس کنندگان کعبه» می باشد. بدین ترتیب چندان باور ناپذیر نیست اگر گفته شود که این عبارت پیش از اسلامیزه شدن آن، به طور کلی به معنای «قریش» بوده باشد (Sharon, 1986: p.179).

فارغ از عمومیت بخشی این مستشرقان در این جریان، بدین معنی که به طور کلی و بلا استثناء باید «اهل بیت» پیش از اسلام را به مفهوم «قریش» دانست که خود مطلبی خالی از اشکال نیست، می توان با لحاظ کردن شواهد دیگری که حاکی از وجود «اهل بیت» به معنای اهل خانه است و در فوق به برخی از آن اشاره شد، فقط بخشی از سخنان این دانشمندان اروپایی

۱. Rudi Paret (1901-1983)

۲. Moshe Sharon (Born: 1937)

۳ People of the House

را تلقی به قبول کرد. به‌ویژه که دربرخی از گزارش‌ها فقط با اشاره به خانه کعبه می‌توانستند از واژه «بیت» برای مخاطب قرار دادن قریشیان استفاده کنند.

گزارش شده که قریش برای نشان دادن برتری خود نسبت به دیگر اعراب چنین می‌گفت: نحن بنو ابراهیم و اهل الحرمه و ولاه البیت و قاطنوا مکة و ساکنوها فلیس لأحد من العرب مثل حقنا (طبری، ۱۴۲۰: ۴، ۱۸۸). ما فرزندان ابراهیم خلیل و صاحب احترام و والیان خانه کعبه و ساکنان مکة هستیم که برای هیچ کدام از اعراب چنین حقی که ما داریم ثابت نیست. دراین گزارش گرچه عین عبارت «اهل البیت» نیامده لکن دارای مشخصه‌هایی مانند «اهل الحرمه»، «ولاه البیت» و «قاطنوا مکة و ساکنوها» بوده و اگر این گزاره را درکنار تکیه کلام رهبر قریش یعنی قصی بن کلاب قرار دهیم، تقریباً معنای مشابهی را به اذهان متبادر می‌کند و «اهل البیت» را درمعنی اهالی خانه خدا محصور می‌سازد. دراین صورت می‌توان چنین فرض کرد که اگر قریش و هم پیمانان مکی آن‌ها درهیچ مقطعی از مقاطع تاریخ ساکن مکة نبودند، عبارت «اهل البیت» ناظر به وجه کعبه نیز هرگز بدان‌ها تعلق نمی‌گرفت و چه بسا که ساخت و پرداخت چنین ابتکاری نیز درهاله‌ای از ابهام قرار داشت.

یک اشکال بزرگ دیگر درکلام رودی پارت و موشه شارون مشاهده می‌شود و آن تفسیر آیه تطهیر بر مبنای «اهل بیت» دانستن قریش می‌باشد. به گفته رودی پارت، این واقعیت که عبارت «اهل البیت» مورد بحث یعنی آیه تطهیر درسوره احزاب^۱ درمفهوم طهارت از پلیدی و آلودگی آمده دقیقاً مطابق اعتقاد به تطهیر کعبه از سوی ابراهیم و اسماعیل است که می‌توان درهر جای قرآن آن را یافت (Sharon, 1986: p.179). بر هیچ محقق پوشیده نیست که این ادعای شگفت به دلیل وجود شواهد و قرائن محکم و متقن تاریخی و حدیثی درباره اختصاص آیه تطهیر به «خمسه طیبه» از اساس دارای خدشه و آسیب است (برای پرهیز از تفصیل درنقد این ادعا رک: محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۲-۵۳). بنابراین حداکثر می‌توان گفت که یکی از مصادیق «اهل بیت» پیش از اسلام اعضای خاندان قریش بودند که دراین جریان عمدتاً عنصر همجواری آنان با خانه کعبه و دردت داشتن مناصب مکة نقش بیشتری را نسبت به هر عامل دیگری ایفا می‌کرد.

به‌نظر می‌رسد گذشت زمان و گسترش اختیارات و قدرت قریش درمکه رفته رفته باعث می‌شد تا اساساً لفظ «بیت» برای خانه کعبه و به پیروی از آن و دردرجه‌ای پایین‌تر لفظ «اهل بیت» برای قریش علم شود. این می‌تواند آشکارترین تطوری لقب گیرد که درآغاز برای لفظ «اهل بیت»

۱ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب، آیه ۳۳)

از معنای عام لغوی آن به معنایی خاص که تنها اشاره به خانه کعبه دارد، روی داده است. به همین دلیل است که زمانی که اصحاب فیل به سمت مکه هجوم بردند، در ملاقات میان ابرهه الأشرم و عبدالمطلب بن هاشم این دو شخصیت مقتدر بی هیچ کم و کاست صرفاً از لفظ بسیط «بیت» برای اشاره به کعبه استفاده می کردند و درعین حال مقصود یکدیگر را به نیکی درمی یافتند گویی اطلاق این لفظ برای کعبه در آن زمان به حد بالایی از اشتها رسید بود^۱ (طبری، ۱۳۸۷: ۲، ۱۳۴).

۴-۲- لفظ «اهل البیت» و اراده مفهوم «خاندان محترم»

در کنار استفاده فراوان از عبارت «اهل بیت» و اراده مفهوم لغوی از آن (چه به معنی اهل خانه و چه به معنی ساکنان مکه)، یکی از مهم ترین کاربردهای عبارت «اهل بیت» در میان اعراب قبل از اسلام به استفاده از آن همراه با در نظر گرفتن یک مفهوم ویژه از آن یعنی یک خاندان برتر، قدرتمند، محترم و با اعتبار مربوط می باشد. این خاندان ها می توانند به لحاظ دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی از دیگر گروه ها و تیره های جامعه ممتاز گردند و مورد احترام و توجه اغلب عرب های جاهلی قرار گیرند. برخی از مولفه های تاثیرگذار در کسب اعتبار یا افزایش جلالت قدرت و شأن قبیله های عرب مانند نسب، اقتصاد، حسب، اهتمام به شعر و شعراء، کهنات و چند مولفه دیگر به تفصیل در تحقیقات متاخر بازتاب یافته (رک: حسن زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۴۲) و با توجه به آن ها می توان به نیکی، قبائل و خاندان های محترم و معتبر عرب در دوره های پیش از اسلام را شناسایی نمود.

به نظر می رسد کاربرد عبارت «اهل بیت» برای قبائل و خاندان های بزرگ و محترم عرب درعین این که به میزان بسیار اندکی در فرهنگ اعراب رواج داشت لکن شواهد بر این امر دلالت دارند که به هر حال چنین کاربردی در میان اقوام عرب مخصوصاً در اوایل سال های دوره جاهلی، وجود داشته است. به طور مثال گاه امکان داشت که عبارت «اهل بیت» در نقل ها بدون هیچ اضافه ای به یک ضمیر بیان شده باشد بلکه در غالب موارد همراه با «الف و لام» و به صورت «اهل البیت» استفاده می شد. این موارد مخصوص تا حدود زیادی از چارچوب لغت فراتر رفته و به

^۱ ابرهه خطاب به عبدالمطلب گفت: قد كنت أعجبتی حين رأيك أتكلمنى فى مائتى بعير قد أصبتها لك و تترك بيتا هو دينك و دين أبائك قد جئت لهدمه لا تكلمنى فيه! زمانى كه دیدمت بسیار تعجب كردم آیا تنها از دویست شترى كه از تو گرفتم با من سخن مى كنى ولى سخن گفتن از «بیت» (مقصودش كعبه بود) را ترك مى كنى حال آن كه آن برای تو و پدرانم بسیار مقدس است و من با هدف تخریب آن آمدم؟ عبدالمطلب پاسخ مى دهد: إني أنا رب الإبل و إن للبيت رباً سيمنعه. همانا من ارباب شترانم هستم و قطعاً برای «بیت» پروردگارى است كه از تخریب آن جلوگیری خواهد كرد.

عرصه مفهوم و معنا ورود پیدا می‌کرد و مختص به برخی از خانواده‌ها یا خاندان‌ها شده و مفهومی جزئی‌تر را تداعی می‌نمود. به گمان قوی هر گاه عرب جاهلی صورت معرفه از این عبارت را به کار می‌برد چنانچه در مقدمه نیز پیرامون وضع قرآنی و حدیثی آن بیان شد، مقصود و مطلوب واقعی‌اش خاندان یا خانواده‌ای خاص از میان خاندان‌های عرب بود و بدین ترتیب نباید از آن عبارت اراده عموم نمود.

یکی از بارزترین نمونه‌ها در این بخش همان توصیه مردم «ذی رعی‌ن الحمیری» خطاب به عمرو بن تبن می‌باشد که به اختصار در بخش قبل از آن سخن به میان آمد. بر این اساس، مردم آن قبیله که خواستند اختلافی میان خاندان پادشاهی بر سر قدرت درگیرند، به عمرو که قصد کشتن برادر تاجدارش را داشت، گفتند: إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتٍ مَمْلُوكٍ لَا تَقْتُلُ أَخَاكَ وَلَا تُشَتِّتَ أَمْرَ أَهْلِ بَيْتِكَ. شما خاندان (شاهی) مملکت ما هستید، برادرت را نکش و کار خاندان خویش را آشفته مکن (طبری، ۱۳۸۷: ۲، ۱۱۵). این که خاندان شاهی را با عباراتی بسیط و بدون اضافه مانند «اهل بیت» یا «اهل البیت» خطاب می‌کردند مساله جالب توجهی است که موجب متمایز شدن آن خاندان از دیگر عناصر جامعه می‌شد اگرچه بیان شد که در این جمله از دو نوع متفاوت از کاربرد «اهل بیت» (مفهوم لغوی عام، مفهوم ویژه خاندان محترم) استفاده شده است.

این جریان تنها منحصر به خاندان‌های پادشاهان اعراب نبوده بلکه همانطور که بیان شد، برخی دیگر از خاندان‌های شریف و نجیبی که صلاحیت و اعتباری در میان مردم کسب کرده بودند را نیز شامل می‌شود. یکی از این خاندان‌های معروف، خاندان شاعر بزرگ جاهلیت یعنی «زهریر بن ابی سلمی (۱۳ق)» بود که از مشهورترین شعرای معلقات سبع به حساب می‌آمد و اشعار با عظمت‌شان روزی بر پرده کعبه آویزان می‌شد (درباره معلقات سبع رک: آیتی، ۱۳۸۷: ۷-۱۰). به نظر می‌رسد زهریر این شرافت را بیشتر از جانب مادری و به‌ویژه دایی خود موسوم به «بشامه بن الغدیر» (او نیز از شاعران بزرگ جاهلیت) به دست آورده بود که از اشراف و بزرگان بنی‌مِزّه بن ذبیان به شمار می‌آمد و زهریر تحت حمایت‌های او به شاعری زبردست تبدیل شده بود (ضیف، ۱۴۲۸: ۳۰۱). از محتوای فعالیت‌ها یا شرح حال زندگانی او در منابع سخن چندان به میان نیامده ولیکن نقل شده که یکی از شاگردان او به نام «ابوملیکه جرول بن اوس» ملقب به «الحطینّه» یک روز فرزند زهریر را خطاب قرار داده و از کوشش‌های زهریر در راستای آموختن شعر به او قدردانی نمود. او ضمن این جملات قدر شناسانه می‌گفت: قد عَلَّمْتُمُ رِوَايَةَ لَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ إِنْ قَطَاعِي إِلَيْكُمْ، به خوبی می‌دانید که از شما خاندان (شریف) روایت می‌کنم و به چه میزان به شما وابستگی دارم (علی، ۱۹۷۰: ۹، ۸۶۲). ملاحظه می‌شود که در این مثال نیز عبارت

«اهل البیت» به گونه ای استعمال شده که صلاحیت گردآوری بخش عمده ای خاندان های عرب در آن دوره در ذیل این عبارت را ندارد و با توجه به اهمیت شعر و حرفه شاعری در عرب، به نحوی مفهوم خاندان برتر یا خاندان محترم و معتبر از آن قابل استفاده است.

این دو موردی که به اختصار بیان شد و احتمالاً مواردی که از تتبع نگارنده به دور مانده، به خوبی نشانگر وجود انگاره اهتمام به خاندان های محترم و شریف همراه با بهره گیری از الفاظی مانند «اهل البیت» می باشد که البته به دلائل مختلف مانند استفاده اندک در محاورات و بازتاب کمتر آن در منابع، می توان گفت به حد شیوع بالایی نرسیده بود.

۴-۲-۱- چرایی عدم شهرت «اهل البیت»

بررسی سیر وقایع نشان می دهد که چند عامل بنیادین در رواج نیافتن مفهوم «خاندان محترم و محترم» از قبیل عبارت «اهل البیت» در میان اعراب دخیل بوده است. اولاً، این مفهوم از همان آغاز با یک مشکل بزرگ روبرو شد و آن اشاعه بالای کاربرست لغوی عبارت «اهل بیت» در میان مردم بود. ظاهراً زمانی که عده ای برای وضع و تبادر مفهوم خاندان محترم با استفاده از لفظ «اهل البیت» همت می گماشتند، از این واقعیت ناآگاه بودند که درآینده ای نزدیک رقابتی که بر سر استفاده از این لفظ در مفاهیم مختلف ایجاد می گردد در گذر روزگار به سود کاربرست لغوی آن به اتمام خواهد رسید. بررسی سطحی و تقریبی کاربرد این لفظ در معنی لغوی آن با توجه به محاورات روزمره اعراب نیز چنین ادعایی را تایید می کند. البته این مطلب که چرا عرب ها در این زمینه بیشتر به مفهوم لغوی این اصطلاح اقبال نشان دادند را باید در مجالی دیگر و ذیل مطالعات فرهنگ شناسانه، زبان شناسانه و جامعه شناسانه بررسی کرد اما به هر حال آن چه که به چشم می آید آن است که مفهوم «خاندان برتر و محترم» ذیل عبارت «اهل بیت» در محاورات اعراب به مرور رنگ خود را از دست داد و در این برهه تاریخی نتوانست به طور عمیق جلوه گری نماید.

یک دلیل دیگر در این زمینه وجود دارد و آن این است که قبائل مهم عرب و در رأس آنها «قریش» با استفاده گسترده و متناوب از لفظ «بیت» در جهت حرمت بخشی به خود بسیار مدبرانه عمل کرده، نهایتاً تا حدودی توانست این لفظ را به سود خود مصادره نموده و بالتبیین خواسته یا ناخواسته از شیوع دیگر مفاهیم این واژه پیشگیری شد. تاکید همه جانبه قریش نسبت به لفظ «بیت» و اراده «خانه کعبه» از آن می توانست از آن یک مفهوم ویژه تولید کند که تنها قابل انطباق بر یک گروه خاص باشد و نیز بهره کشی از درآمدهای خانه کعبه را تنها برای آنان مشروع و قانونی جلوه دهد؛ بدیهی است که از دست دادن چنین فرصتی برای انحصار سازی از جانب قریش

در کمترین حالت می‌توانست بسیاری از تیره‌ها و خاندان‌های دیگر عرب را حد اقل در نام و عنوان با آنان شریک سازد (برای اطلاع از اهمیت قدرت در مکه برای قریش رک: مهدوی زادگان، ۱۴۰۲: ۹۸-۱۰۷). به هر ترتیب «اهل البیت» در مفهوم «خاندان محترم» و با مولفه‌های یادشده می‌توانست بر گروه‌ها، قبیله‌ها و خاندان‌های مختلفی از اعراب قابل تطبیق باشد که بعضا حتی در مناطق دورتری نسبت به خانه کعبه می‌زیستند.

به عبارت دیگر قریش گرچه در برخی از مقاطع خود را به ابراهیم پیامبر (ع) منتسب می‌ساخت و از این طریق به یک خاندان محترم و شایسته تجلیل مبدل می‌شد ولیکن تعدادی از گزارش‌ها نیز از تکاپوهای بی‌پایان قریش با هدف منحصر سازی لفظ «اهل بیت» آن هم صرفا برای ساکنان مکه حکایت دارد. از طرفی ملاحظه شد که بزرگ قریش یعنی قصی بن کلاب از بستگان و خویشان خود با عبارت «اهل بیت» یاد می‌کرد. بنابراین نسبت به جریان انتساب خویشاوندی که یکی از لوازم به دست آوردن جایگاه یک شخص از تبار و خاندان محترم بود، قریش و دیگر اعراب، لفظ «اهل بیت» را با تکیه بر مفهوم لغوی آن مورد نظر قرار می‌دادند که اشاره مستقیم به خانه کعبه داشت.

البته این لفظ در سال‌های منتهی به بعثت پیامبر خاتم (ص) تطوراتی را نیز از سر گذرانیده و کم کم از نگاه مفهومی منحصر به ساکنان و همسایگان خانه خدا، قریشی و غیر قریشی شده بود. اتفاقا به دلیل مشارکت جریان‌های مختلف در بافت شهری مکه می‌توان گفت هر گاه قریش از لفظ «اهل بیت» یا «اهل البیت» استفاده کرده مقصود مورد نظر همان کاربرد لغوی و متطور آن بوده چرا که اصولا گروه‌های دیگر غیر قریشی می‌توانستند از لحاظ نسب ذیل اصطلاح «اهل بیت» به معنای خاندان محترم و ویژه قرار نگیرند ولی در عین حال «اهل خانه کعبه» محسوب شوند و مانند قریش از امتیازات همجواری خانه کعبه بهره مند گردند. برخی از این قبائل عبارتند از: خزاعه و کنانه (برای اطلاع بیشتر در این باره رک: ابن اسحاق، ۱۳۹۸: ۱۲۰). بنابراین نمی‌توان نقش برجسته تبلیغات قریش در کم رنگ شدن مفهوم خاندان معتبر و محترم ذیل عبارت «اهل البیت» را نادیده انگاشت.

۴-۲-۲- نقد دیدگاه استشراقی درباره «اهل البیت» در جاهلیت

در این میان برخی از محققان و به خصوص خاور پژوهان معتقدند که ظاهرا در جاهلیت کاربرد مفهوم خاندان محترم و استفاده از عبارت «اهل البیت» بسیار بیش از آن چیزی است که تصور می‌شود. به طور مثال می‌توان به خاندان بنی شیبان از طایفه ربیع، یربوع و قمیر دو برادر از

خاندان غطفان و تیره قیس عیلان اشاره کرد که همگی «اهل بیت» شناخته می شدند و از ریشه ای شریف و دارای نجابت بهره می بردند (Sharon, 1986: pp.180-181). این ادعا درحالی مطرح شده که تعدادی از منابع مهم و کهن تاریخی نظیر «جمهره النسب» از هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴ق)، «المنمق فی أخبار قریش» از محمد بن حبيب بغدادی (م ۲۴۵ق)، «کتاب الإستقاق» از ابوبکر محمد بن حسن بن درید (م ۳۲۱ق)، «تاریخ مدینه دمشق» از ابوالقاسم بن عساکر دمشقی (م ۵۷۱ق) و چند مورد دیگر را به عنوان منابع مورد استفاده تحقیق معرفی نموده است. جالب آن است که برخی از این محققان معاصر غربی، عین عبارت این مولفان متقدم اسلامی که دربرگیرنده اصطلاح «اهل بیت» یا «اهل البیت» می باشد را بدون تغییر بیان کرده و به زعم خود آن را به دوره پیش از اسلام مرتبط دانسته است.

به طور مثال چنین بیان شده که ابن کلبی می گوید: «نبأه بن حنظله فرمانده مشهور امویان متعلق به خاندانی شریف از قیس عیلان بود، و هم اهل بیت لهم باس و شرف، و آنها اهل بیتی هستند که صاحب قدرت و شرافت اند (Ibid, p.181).» پژوهشگران به خوبی بر این امر واقف اند که این متنی که مورد استفاده و استناد نویسنده خاورشناس قرار گرفته، درواقع نگاشته مولف یک کتاب تاریخ است که دست کم دویست سال پس از بعثت پیامبر(ص) و تحت شرایط موجود درزمان تالیف به نگارش درآمده است. این مطلب از بدیهیات است که یک متن زمانی می تواند مورد استناد علمی قرار گیرد که از چند و چون شرایط و احوال زمانه یک واقعه حکایت کند مانند جملات افرادی چون قصی بن کلاب که درهمان دوره می زیستند نه این که خود متن حاصل گزارش دهی یک مورخ از جریان آن واقعه بوده باشد. به عبارت دیگر، این که خاندانی موسوم به قیس عیلان یک خاندان شرافتمند بوده نهایتاً قضایای است که ابن کلبی از وقایع پیش از اسلام به دست داده پس با چنین متنی قطعاً نمی توان وجود اندیشه حفظ حرمت خاندان های شریف ذیل عبارت «اهل بیت» را به اثبات رسانید. شگفت آور آن که تقریباً کلیه متونی که دراین تحقیق بدان سند زده شده، متعلق به یک مولف مسلمان و درحقیقت نقل تاریخ از زبان او بوده است. مهم تر از این مطلب آن است که برخی از این محققان گفته اند: زمانی که خلافت پایه گذاری شد سنت قدیمی عرب های پیش از اسلام که خاندان های شریف و برجسته هر قبیله را «اهل بیت» می خواندند، به هر یک از چهار خانواده خلفای نخستین رسید، بنابراین هر چهار خاندان را «اهل بیت» می نامیدند (Ibid, p.183). این مطلب نیز تا حدودی غیرقابل قبول و عجیب و نادر است که حتی خود نویسنده نیز چندان با اطمینان از آن سخن به میان نیاورده و

در ابتدا با تردید می‌گوید: «شاید بتوان چنین نتیجه گرفت^۱». علی‌هذا، می‌توان گستردگی کاربرد عبارت «اهل‌بیت» در میان اعراب پیش از اسلام را به ترتیب از کاربرد فراوان در قالب لغوی بسیط به معنای اهل خانه و کاربرد لغوی متطور در میزان کمتر به معنای ساکنان مکه و سپس در حد شاذ و نادر، کاربرد مفهومی به معنای خاندان محترم درجه بندی کرد.

۵- گسترش تفکر اهتمام به خاندان محترم بدون استفاده از عبارت «اهل‌بیت»

برخلاف آن چه نسبت به لفظ «اهل‌بیت» روی داد و به همت برخی از گروه‌ها نظیر قریش در مفهوم آن محدودیت‌هایی به وجود آمد، معنا و انگاره اهتمام به خاندان محترم در اذهان و قلوب عرب جاهلی به میزان قابل توجه گسترش یافت به‌طوری که در برخی از مقاطع در جوامع امکان داشت که عینا اصطلاح «اهل‌بیت» به کار برده نمی‌شد ولیکن تکیه‌گاه اصلی بحث، مفهوم آن اصطلاح یا همان نگاه ویژه به یک یا چند خاندان شایسته احترام و صاحب قدرت در اجتماعات انسانی اعراب بود. در واقع این انگاره هر چند دوشادوش لفظ «اهل‌بیت» شروع به رشد و انتشار کرد ولیکن با گذشت زمان آن لفظ معهود را از دست داد و در مقطعی از دوره جاهلیت دیگر به تنهایی و فارغ از نیاز به لفظ «اهل‌بیت»، مفهوم «خاندان برتر و محترم» را به دوش می‌کشید.

برخی از منابع آورده‌اند که خاندان قریش یکی از پرنفوذترین و حائز اهمیت‌ترین خاندان‌های عرب به شمار می‌آمد که تقریباً دیگر خاندان‌های اعراب معاصر آن را یارای رقابت و هم‌اوردی با تیره‌های مختلف قریش نبود بلکه اساساً اعراب دیگر مناطق را باید در مقطعی تابعان خاندان قریش معرفی کرد. این مساله اگرچه می‌تواند معلول حضور قریش در رأس قدرت مکه تلقی شود ولیکن نکته اصلی در انتساب خونی آنان و همچنین در وجود برخی از مولفه‌های قدرت در این قبیله است. شاید بتوان به وضوح اذعان داشت که برتری بی حد و حصر قریش بر عرب‌های حجاز از همین دو عامل نشأت می‌گیرد به‌طوری که این قبیله را حتی در میان خواص قبائل و خاندان‌های عرب ممتاز و یگانه می‌کرد. در این زمینه به کلام امام علی(ع) درباره قریش و بحث از خلافت پس از پیامبر(ص) توجه شود که فرمود: *إِنَّمَا يَنْظُرُ النَّاسُ إِلَى قُرَيْشٍ. هَمَانَا مَرْدَمُ بَه قُرَيْشٍ نَگاه می‌کنند و از آنان تبعیت می‌کنند* (بالاذری، ۱۴۱۷: ۵، ۹۴-۹۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱، ۲۴۲). با این حال شواهد این بخش بیش از آن که اشاره‌ای به لفظ «بیت» یا دربرگیرنده مفهوم خانه کعبه داشته باشد تأکیدی بر نسب والای آنان تا شخص ابراهیم نبی(ع) خواهد بود.

^۱ It may be concluded that...

امر اهتمام عرب به قریش به گونه ای بود که رفته رفته حتی بدعت های این قبیله در امر انجام حج برای حاجیان نیز توسط اعراب بدون مشکل و اعتراض خاصی پذیرفته می شد و بدان بدعت ها چونان امری مطاع و غیرقابل تمرد نگریسته می شد. یک سال قریش در انتظار اعراب، وقوف در عرفه که از مشاعر مهم دین ابراهیم (ع) بود را ترک کرد آن هم درحالی که آن را برای دیگر اعراب کماکان فرض به حساب می آورد. جالب آن است که سران قریش در توجیه این عملکرد و بیشتر به جهت یادآوری مجدد اهمیت و شأن و جایگاه خود چنین می گفت: نحن بنو ابراهیم و اهل الحرمه و ولأه البیت و قطان مکة و ساکنها ... نحن اهل الحرم فلا ینبغی لنا أن نخرج من الحرمه و لا أن نعظم غیرها کما نعظمها نحن الحُمس و الحُمس اهل الحرم ... ما فرزندان ابراهیم هستیم ما اهل حرم و خادمان کعبه و ساکنان آن هستیم؛ برای ما سزاوار نیست که از حرم خارج شویم و غیر حرم را به مانند حرم بزرگ بشماریم، ما اهل حمس^۱ هستیم و خروج ما از حرم از حرمت ما در نزد عرب می کاهد. آنان در ادامه با تاکید مستقیم بر برتری شان و نجابت خود نسبت به عموم اعراب، چنین می افزودند: فلیس لأحد من العرب مثل حقنا و لا مثل منزلتنا و لا تعرف له العرب مثل ما تعرف لنا فلا تعظموا شیئاً من الحلّ کما تعظمون الحرم فإیکم إن فعلتم ذلك استخفت العرب بحرمتکم. هیچ یک از عرب ها، مانند ما حقّی ندارند و منزلتی مانند منزلت ما ندارند و عرب برای هیچ کس، آن گونه که ما را می شناسد، شناختی ندارد. پس چیزی از منطقه بیرون حرم (حلّ) را مانند حرم (مکه) بزرگ و محترم شمارید، چرا که اگر چنین کنید، عرب حرمت شما را سبک می شمارد (ابن حبیب بغدادی، ۱۴۰۵: ۱۲۷).

این مثال آشکارترین موردی بود که در آن اهتمام جامعه عرب به یک خاندان مشخص (در اینجا قریش) نشان داده شده است بدون آن که عیناً لفظ «اهل البیت» یا الفاظ مشابه با آن در این کاربرد ذکر شده باشد. گرچه در تلمیحات قریش از الفاظی مانند «اهل حرم» نیز استفاده می شد اما شاهد اصلی این مثال ها عباراتی است که در آن بر نسبت خاندانی قریش با حضرت ابراهیم (ع) تاکید شده که احترام زیادی را برای آنان در میان جامعه به ارمغان می آورد. از این جا به خوبی مشخص می شود که مفهوم خاندان محترم در میان اعراب نیز در میزان بسیار بالایی مورد توجه بود. تاریخ مکه در ایام پیش از استیلاء مسلمانان بر آن و چگونگی انتقال قدرت در میان حاکمان پیشین آن منطقه به وضوح بر این حقیقت گواهی می دهد که ابناء ابراهیم نبی (ع) و همچنین به صورت مشخص خاندان قریش در نوبت های متعدد به مانند یک سیره مستمره هر بار از نام و

۱ اهل حمس اصطلاحاً به قریش و دیگر ساکنان مکه اطلاق می شد که قوانینی را برای حجاج مکه طراحی و عملیاتی می کردند. برخی از این قوانین گاه بدعت های نوظهوری برای حاجیان تلقی می شد (برای اطلاع بیشتر رک: بیات، ۱۳۹۳).

نشان نیای جلیل القدر خود یعنی ابراهیم و فرزندش اسماعیل (ع) بهره گرفته و مردم نیز در غالب موارد با همین دستمایه به خوبی توجیه شده و حتی در حمایت از آن‌ها علیه دشمنان‌شان گرد می‌آمدند. با این احوال باید گفت که این شرایط تنها برای بنی‌اسماعیل (ع) مطلوب واقع نمی‌شد چرا که شرافت و نجابت اصولاً منحصر در نسبت خونی با آن نبی مکرم نبود بلکه خاندان‌های شریف در دیگر مناطق نیز حضور داشتند. به تعبیر صریح‌تر تعداد معتنا بهی از خاندان‌های دیگر عرب غیر از فرزندان اسماعیل نیز در آن برهه بودند که گاه از طریق تفاخر به شرافت نسل و خاندان خود، اعتبار و حرمت خاصی برای خود خریداری می‌کردند. برخی از این جریان‌ها به حدی مورد احترام قرار می‌گرفتند که می‌توان از آنان به عنوان رقبای بنی‌اسماعیل نام برد؛ مانند خاندان مسمع از قبیله بنی‌شیبان بن ربیعۀ (رک: ابن‌درید، ۱۴۱۱: ۳۵۵)، محمد بن جبلة بن اُهبان از قبیله بنی‌غطفان (رک: کلی، بی‌تا: ۴۱۴) و خاندان ذوالکلاع الأصغر (علی، ۱۹۷۰: ۴، ۱۸۲) که به ترتیب از اشراف مشهور حجاز، شام و یمن به حساب می‌آمدند. شاید این خاندان‌ها از لفظ «اهل‌البیت» برای خود استفاده نمی‌کردند اما تا حدود زیادی همان مفهوم خاص را در نظر داشتند.

«عمرو بن کلثوم (م ۵۷۰م)» از قبیله تغلب دریکی از اشعار بلندش از شرافت خاندان خود یاد می‌کند و چنین می‌گوید: وَرَثَا الْمَجْدِ قَدْ عَلِمْتَ مَعْدَ، نَطَاعُنْ دُونَهُ حَتَّى يَبِينَا. این مجد و غرور را از پدرانمان به ارث برده‌ایم و «معد» می‌داند که تا این راز آشکار شود با نیزه‌های خود از آن دفاع می‌کنیم (الزوزنی، ۱۴۲۳: ۲۲۴).

او در بخش دیگری از این شعر آورده‌است: وَرَثَا مَجْدَ عِلْقَمَةَ بْنِ سَيْفٍ، أَبَاحَ لَنَا حِصُونَ الْمَجْدِ دِينَا. ما وارثان مجد و عظمت «علقمۀ بن سیف» هستیم، او قله‌های شرف و بزرگی را برای ما فتح کرده‌است. وَرَثْتُ مُهْلَهْلًا وَ الْخَيْرَ مِنْهُ، زَهِيرًا نَعْمَ دُخْرُ الدَّاخِرِينَا. من مهلهل را و آن چه از نیکی در او بود به ارث بردم و زهیر را چه نیک ذخیره‌ای است برای آنان که افتخار می‌جویند. و عَتَابًا وَ كَلْثُومًا جَمِيعًا، بِهِمْ نَلْنَا تَرَاثَ الْأَكْرَمِينَا. و نیز به سبب «عتاب» و «کلثوم» هر دو با هم ما به میراث گرامی‌ترین‌ها (نجیب‌ترین نیاکان) دست یافته‌ایم. وَ ذَوَالْبِرَّةِ الَّذِي حُدِّثَتْ عَنْهُ، بِهِ نُحْمِي وَ نَحْمِي الْمُحْجَرِينَ. و آن مرد ساده زیست که برایت از او گفته‌اند همان است که به او پناه می‌بریم و به خاطر او از ساکنان سرزمین‌های سنگ چین شده (مقابر یا محدوده‌های مشخص قبیله‌ای) دفاع می‌کنیم (همان، ۲۲۸-۲۲۹).

حتی در کنار مساله انتساب به یک نسل شریف، چنانچه گذشت می‌توان عوامل دیگر مانند کرامت و دستگیری از فقرا و مستمندان را نیز تصور کرد در این زمینه نقش آفرینی می‌کردند. دریکی دیگر از همین اشعار، «ابوعقیل لبید بن ربیعۀ العامری (م ۶۶۱م)» نیز به مساله شرافت

خاندانی قبیله خود اشارتی لطیف داشته و در یک شعر طولانی چنین می گوید: فضلاً و ذو کرمِ یعینُ علی الدی، سمحٌ کسوبُ رغایبِ غنّامُها. پیوسته کریمانی که یاران خود را به کرم یاری کنند از قبیله ما بوده اند، مردانی بخشنده که بهترین و گرانبهارترین غنائم را خود آنان به دست آرند. من معشر سنت لهم أبأؤهم، و لكل قوم سنّة و إمامها. از خاندانی که کسب معالی سنت اجدادی آن ها است، آری هر قومی را سنتی است که از آن پیروی می کنند (همان، ۲۰۰).

نمود احترام و عزت به اعضای خاندان های اشراف عرب را بیشتر می توان در مناطق شمالی حجاز که عمدتاً برخلاف مناطق مرکزی و جنوبی از یک دولت مقتدر برخوردار بودند، به خوبی مشاهده نمود که به طور مثال اشراف براساس منصب «ردافت» در سمت راست یا چپ شاه جلوس می کردند. بایسته گفتن است که طبق این منصب، میزان نزدیکی جایگاه هر فرد به موضع شاه، متناسب با جایگاه اجتماعی اش تعیین می شد (تقوی، ۱۳۹۵: ۶۲).

همه این گروه ها که نام برده شد به نوعی یک قبیله یا یک خاندان محترم و صاحب کرامت در میان اعراب تلقی می شدند ولی بر طبق منابع موجود غیر از «قریش» و برخی از گروه های مجاور خانه کعبه تقریباً به هیچ کدام از این گروه ها دست کم در سال های نزدیک به ظهور اسلام و افزایش قدرت قریش در مکه، عبارت «اهل البیت» اطلاق نمی شد؛ حال آن که عمده این خاندان ها بر طبق آن چه که در سال های دورتر در میان اعراب جاهلی مرسوم بود، شایستگی اطلاق عنوان «اهل البیت» با آن مفهوم ویژه اش را دارا بودند. این نشان از تاثیر گسترده عملکرد قریش به ویژه در نهادینه سازی لفظ «اهل بیت» یا «اهل البیت» برای بخش خاصی از جامعه عرب قبل از اسلام می باشد. به نظر می رسد نفوذ اجتماعی و سیاسی قریش تا همین میزان اقتضاء می نمود تا در فرهنگ جامعه عربی تاثیرگذار واقع شود و به نحوی شاید نتوانسته بود تا در امور مربوط به انگاره های انتزاعی جامعه پیرامون «خاندان های محترم» نقشی پررنگ در جهت برجسته تر کردن جایگاه اجتماعی و سیاسی خود ایفا نماید. به همین دلیل تا سال های منتهی به ظهور اسلام و بعثت رسول خدا (ص) این انگاره در میان مردم آن جامعه کماکان درباره گروه ها و قبائل مختلف، زنده و پویا باقی ماند به طوری که حتی اسلام را به واکنش هایی واداشت تا از باب یک مثال مقوله «تقوای الهی» را به عنوان یک جایگزین متعارف برای هر مولفه مرسوم دیگری در این زمینه معرفی نماید گرچه بررسی تفصیلی واکنش اسلام بدین انگاره خود جایگاهی دیگر برای بحث می طلبد.

۶- نتیجه گیری

پژوهش حاضر کوشید با تحلیل متون و شواهد ادبی و لغوی برجای مانده از دوره جاهلیت، معنای عبارت «اهل بیت» یا «اهل البیت» را در بستر فرهنگی و اجتماعی آن دوران بررسی کند. مطالب این مقاله در سه بخش گنجانده شده است. بخش اول پیرامون عبارت «اهل بیت» و جایگاه لغوی آن و بخش دوم مرتبط با عبارت «اهل بیت» همراه با اراده مفهوم «خاندان محترم» از آن بود. در بخش سوم که یکی از مهم ترین بخش های مقاله نیز به حساب می آید، شواهدی مبتنی بر وجود انگاره اهتمام به «خاندان محترم» در عرب جاهلی گردآوری شده است که البته در آن شواهد برخلاف دو بخش ابتدایی، هیچ اشاره مستقیم یا غیرمستقیم به لفظ «اهل بیت» یا «اهل البیت» نشده است. در حقیقت گرچه این عبارات به عنوان یک اصطلاح رایج و پرتکرار در منابع جاهلی حضور نداشته، اما مفاهیم بنیادین آن همچون خانواده، وابستگی خونی، شراکت در بیت و نسب و همچنین «خاندان برتر و محترم» به روشنی در فرهنگ قبیله ای عرب ریشه داشته است.

از منظر روش شناختی، تحلیل نشان داد که نبود کاربرد صریح عبارت «اهل البیت» در برخی مقاطع، به معنای نبود معنای آن در ذهن و زبان عرب جاهلی نیست؛ بلکه شواهد نشان می دهند که درون مایه مفهومی اهل بیت، به عنوان هسته انگاره «خاندان برتر، قدرتمند و محترم» در ساختار قبیله ای آن جامعه حضوری پررنگ داشته، هر چند بیان واژگانی آن در قالب های مختلف انجام می شده است. همین زمینه های معنایی، بعدها بستری را برای شکل گیری کاربرد خاص و برجسته عبارت «اهل بیت» در قرآن و سنت نبوی فراهم آورد که البته این کاربرد پسینی به طور کلی شاکله ای دینی داشت و برخاسته از آموزه های اصیل اسلام به وجود آمد.

در این میان، قبایل عرب و به ویژه قریش، نقشی مؤثر در نهادینه سازی کاربرد لغوی و اجتماعی واژه هایی چون «بیت» و «اهل» ایفا کردند. فضای ویژه مکه، که محل رفت و آمد قبایل متعدد و مرکز نمادین «بیت الله الحرام» بود، موجب شد قریش با تکیه بر مفاهیمی چون «اهل بیت» مشعر به مفهوم اهل خانه خداوند، به تقویت جایگاه خود در میان عرب جاهلی بپردازند. این زمینه سازی معنایی و اجتماعی البته محصور به عبارت «اهل البیت» باقی ماند و نتوانست فکر و اندیشه عرب جاهلی پیرامون کلیه خاندان های معتبر و برجسته عرب آن دوره را در نوردد. به همین دلیل می توان ادعا کرد که انگاره «خاندان برتر و محترم» که برخاسته از عبارت «اهل البیت» در جامعه منتشر شده بود به دلایل مختلف نتوانست چونان همان عبارت به لحاظ لغوی از عملکرد و تبلیغات قبایلی چون قریش و هم پیمانان او متأثر گردد و در طول تاریخ جاهلی تقریباً به طور یکسان باقی ماند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم، نشر اسوه، ۱۳۸۳ش.
۲. آذرنوش، آذرتاش، دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ مدخل «آل، خانواده»، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۸ش.
۳. آزادی نژاد، فاطمه. دانشنامه حج و حرمین شریفین؛ مدخل «بیت العتیق»، تهران، پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۲ش.
۴. آیتی، عبدالمحمد. معلقات سبع، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۷ش.
۵. آیینه‌وند، صادق؛ باصری، وحید. «بررسی سنت منافره در جاهلیت و بازتولید و پیامدهای آن در دوران اسلامی»، نشریه مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۲ش.
۶. ابن اسحاق، محمد. سیره ابن اسحاق، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۸هـ.
۷. ابن درید، ابوبکر. الإشتقاق، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱هـ.
۸. ابن سعد، ابوعبدالله محمد. الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰هـ.
۹. ابن منظور، جمال الدین. لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴هـ.
۱۰. احمدی، محمد ابراهیم. «اهل بیت؛ رویش‌ها و ریزش‌ها»، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۸۶، تابستان ۱۳۹۰ش.
۱۱. بغدادی، محمد بن حبیب. المنمق فی أخبار قریش، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵هـ.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی. أنساب الأشراف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷هـ.
۱۳. بیات، علی. دانشنامه جهان اسلام؛ مدخل «خمس»، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳ش.
۱۴. تقوی، هدیه. «تفاوت قشر بندی اجتماعی در مناطق شمالی و جنوبی جزیره العرب و منطقه حجاز در آستانه ظهور اسلام»، نشریه تاریخ اسلام، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۹۵ش.
۱۵. حسن‌زاده، حسن علی. پایان نامه فوق لیسانس با عنوان «ساختار قدرت درسرمین حجاز در عصر جاهلیت»، دانشگاه تربیت مدرس، خرداد ۱۳۸۸ش.
۱۶. رفیعی، علی. دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ مدخل «اهل بیت»، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۹ش.
۱۷. الزوزنی، ابوعبدالله. شرح معلقات السبع، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳هـ.
۱۸. سایری، سلیمه. رساله دکتری با عنوان «تطور مفهوم اهل البیت در متون دینی از قرن اول تا هفتم هجری»، دانشگاه ادیان و مذاهب، بهمن ۱۳۹۹ش.

۱۹. سایری، سلیمه و دیگران. «تطور تاریخی مفهوم اهل البیت از قرن اول تا هفتم هجری»، نشریه پژوهش نامه امامیه، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ش
۲۰. صفری فروشانی، نعمت الله. مکه در بستر تاریخ، قم، نشر مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ش
۲۱. ضیف، شوقی. تاریخ الأدب العربی، قم، نشر ذوی القربی، ۱۴۲۸هـ
۲۲. طبری، محمد بن جریر. تاریخ الرسل و الملوك، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷هـ
۲۳. _____ . جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۲۰هـ
۲۴. علی، جواد. المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۷۰م
۲۵. فیروزآبادی، مجدالدین. بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، قاهره، لجنه إحياء التراث الإسلامی، ۱۴۱۶هـ
۲۶. فیومی المقری، احمد بن محمد. المصباح المنیر، بیروت، المكتبة العصریة، ۱۴۱۸هـ
۲۷. کلی، هشام بن سائب. جمهره النسب، بیروت، نشر عالم الكتب، بی تا
۲۸. کیخا، محمد رضا. «مصادق شناسی اهل بیت در قرآن و سنت»، نشریه الهیات و حقوق اسلامی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ش
۲۹. مادلونگ، ویلفرد. جانشینی حضرت محمد؛ پژوهشی پیرامون خلافت نخستین، ترجمه احمد نمایی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۵ش
۳۰. محمدی، مسلم؛ رضایی هفتتادر، حسن؛ رحیمی ثابت، زینب. «بازخوانی انتقادی رویکرد استشرقی به مفهوم شناسی اهل بیت»، نشریه اندیشه نوین دینی، شماره ۴۵، تابستان ۱۳۹۵ش
۳۱. مرتضی عاملی، سید جعفر. أهل بیت فی آیه التّطهیر: دراسة و تحلیل، بیروت، مرکز الإسلامی للدراسات، ۱۴۲۳هـ
۳۲. معرفت، محمد هادی. دانشنامه جهان اسلام؛ مدخل «بیت المعمور»، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳ش
۳۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، نشر کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳هـ
۳۴. ملک محمدی، مهدی. دانشنامه حج و حرمین شریفین؛ مدخل «اهل بیت خاندان معصوم پیامبر»، قم، نشر مشعر، ۱۳۹۲ش
۳۵. مونس، حسین. تاریخ قریش، جدّه، دار السعودیة، ۱۴۰۸هـ

۳۶. مهدوی زادگان، داود. «تکوین دولت درمکه پیش از اسلام»، جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲ش

۳۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق. تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا

38. Goldziher, I. Arendonk, C. v. & Tritton, A.S. (2012). "Ahl al-Bayt". In P. Bearman (ed.), *Encyclopaedia of Islam New Edition Online (EI-2 English)*.
39. Howard, I. K. A. (2020). AHL-E BAYT. In *Encyclopaedia Iranica Online*.
40. Madelung, W. (1998). *The Succession to Muhammad: A Study of the Early Caliphate*. Cambridge University Press: London.
41. Sharon, M. (1986). "Ahl al-bayt, People of the House", in *JASI* 8.